



اهواز / خوزستان

حسن احمدی فرد

عکس‌ها:

محمدرضا خبازان



هیئت عباسیه اهواز صد و ده، پانزده سال است که سفره‌های رضانی‌اش به راه است

افطاری نزدیک کارون

نان که باشد، یعنی سفره کامل است؛ بد است جایی که نان هست، آدم منتظر غذای دیگری بماند؛ هر چند سفره‌های هیئت، به لطف مردم، همیشه رنگین است. رسم است که سر سفره‌های افطار، بشقاب سبزی هم بگذارند و پنیر. نان و پنیر و سبزی همراه با چای داغ بهترین افطاری دنیاست؛ ساده و کامل. زولبیا و بامیه هم که اصلش مال همین جاهاست، حالا پای ثابت سفره‌های افطاری است. لطف آدم‌های خیر اما نمی‌گذارد روزه‌دارها در هیئت عباسیه به همین‌ها بسنده کنند. تا چند لقمه نان و پنیری صرف بشود و یکی دو سینی چای گردانده شود، سینی‌های غذا هم می‌رسد.

در هیئت عباسیه دیگ‌های پلو همیشه به بار است. همه بازاری‌ها و همه آن‌ها که دوست دارند روزه‌هایشان را سر سفره افطار هیئت باز کنند، می‌دانند که سفره‌های هیئت چیز دیگری است؛ صفایی که در این سفره‌ها هست، هیچ جای دیگری نیست.

افطار که بشود در بازار زرگرهای اهواز، در خیابان طالقانی و خوانساری و... کسی افطار نکرده نمی‌ماند. به لطف هیئت عباسیه، همه روزه‌دارها می‌توانند اینجا روزه‌شان را باز کنند.

سنت افطاری، سنت پذیرایی از روزه‌دارها، هنوز هم سنت رایجی است؛ نه فقط در اهواز و خوزستان، که در همه ایران.

هیئت عباسیه فقط یکی از سفره‌های افطاری است که پهن می‌شود نزدیک کارون و الا که همه گستره ایران، دم افطار می‌شود خیابان غذا؛ خیابان غذاهای ساده‌ای که از صفای آدم‌های روزه‌دار طعم می‌گیرد و لطف کنار هم بودنشان را بیشتر می‌کند. در عباسیه اهواز اما قضیه کمی فرق می‌کند. سفره‌های افطاری اینجا مزین به نام حضرت عباس (ع) است. افطار کردن سر این سفره‌ها، چیز دیگری است.

هیئت عباسیه اهواز حالا همیشه درش به روی مردم باز است؛ چه محرم و صفر باشد و چه نباشد. بنای روضه، اینجا همیشه برقرار است؛ دور تا دور شبستان هیئت با کاشی‌های آبی تزیین شده؛ کاشی‌هایی که ترجیح‌پند محتشم را در خودشان دارند. همه اهواز و حتی خیلی‌های دیگر در شهرهای دور و نزدیک، آش امام سجاد (ع) عباسیه را می‌شناسند؛ صبح ۲۵ محرم که بشود، انگار همه جمعیت اهواز، در صف ایستاده‌اند تا به تبرک، کاسه‌ای از آش امام سجاد (ع) هیئت ببرند....

حکایت ماه رمضان اما حکایت دیگری است؛ حکایت استکان‌های چای و سینی‌های غذا، برای آن‌هایی که دوست دارند روزه‌شان را اینجا باز کنند. افطاری هیئت عباسیه اهواز صد و ده - پانزده سال است که تعطیل نشده است.

اذان که بگویند و نماز که تمام بشود، روزه‌دارها از هر دو در وارد هیئت می‌شوند. عباسیه دو تا در دارد؛ یکی ش‌نیش بازار زرگراست و یکی ش‌باز می‌شود به خیابان خوانساری.

خادم‌های عباسیه البته یکی دو ساعت مانده به افطار می‌آیند و سماورهای هیئت را آتش می‌کنند.

آتش زیر دیگ‌ها از پیش از ظهر روشن است. هیئت، بانی دارد؛ آدم‌های خیری که دوست دارند ثواب افطاری را هم به کارنامه‌شان اضافه کنند. هر کسی بسته به وسعش، بانی خیر می‌شود در هیئت عباسیه.

روزه‌دارها که می‌آیند همان دم در، یکی یک استکان چای شیرین برمی‌دارند از توی سینی‌های بزرگ و می‌روند کنار سفره‌های پارچه‌ای (که حالا این سال‌ها پلاستیکی شده متأسفانه) می‌نشینند و چای داغ شیرین را هورت می‌کشند. چای خوزستانی‌ها البته همیشه شیرین است.

تا روزه‌دارها گلویی به چای داغ تر کنند و خرمایی بخورند و بامیه‌ای، باقی سورت و سات سفره هم فراهم می‌شود.

هیئت عباسیه، عدل وسط بازار زرگرهای اهواز است. اینجا پیش از آنکه هیئت باشد، دارالتجاره بود. تجاری که از این طرف و آن طرف به اهواز می‌آمدند، می‌دانستند که می‌توانند در یکی از حجره‌های دارالتجاره بازار زرگرها، شب‌های گرم اهواز را به صبح برسانند. «حاج فتح‌الله» اما همه دارالتجاره را وقف کرد برای هیئت؛ تا هم سرپناهی باشد برای آن‌هایی که می‌خواستند شبی را به صبح برسانند و هم جایی باشد برای روضه‌خوانی.